جایگاه شأن نزول آیات در استنباط احکام شرعی با تأکید بر آیات
ناظر بر بهداشت خانواده ـ محمد عبادی، ابوالقاسم نقیبی
علمی- پژوهشی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال هجدهم، شماره ۶۹ «ویژه زن و خانواده»، زمستان ۱۳۹۹، ص ۹۱-۱۱۱

جایگاه شأن نزول آیات در استنباط احکام شرعی با تأکید بر آیات ناظر بر بهداشت خانواده

محمد عبادی*
ابوالقاسم نقیبی**

چکیده: توجه به شأن نزول آیات الاحکام ناظر بر بهداشت جسمی، جنسی و روانی خانواده، ما را در فهم درست احکام مربوط به مراودات زناشویی و روابط خانوادگی یاری خواهد رساند. لذا در این نوشتار تلاش نموده‌ایم، به بررسی تأثیر شأن نزول در برداشت‌های فقهی از آیات با تأکید بر آیات مرتبط با علوم پزشکی و بهداشت جسمی و روانی خانواده بپردازیم. پژوهش حاضر تحقیقی کاربردی بوده و با شیوه توصیفی- تحلیلی و روش مطالعه کتابخانه‌ای و استنادی صورت گرفته و با کنکاش در آیات الاحکام و بهره‌گیری از روایات مستند و تحلیل نظرات فقها، اهداف تحقیق دنبال شده است.

در قرآن کریم قریب به سیصد آیه مرتبط با علوم پزشکی و بهداشت وجود دارد. پزشکی مشتمل بر «درمان و معالجه» و بهداشت به معنی «پیشگیری» است. اما اکثر مطالب علمی قرآن درباره بهداشت و پیشگیری است. از این روی، شناخت و بررسی شأن نزول آیات قرآن در

*. دانشجوی دکتری تخصصی الهیات – گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران mohammadebadi1@yahoo.com
**. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
da.naghibi@motahari.ac.ir

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

برداشت‌های فقهی از آیات الاحکام مرتبط با بهداشت جسمی و روانی خانواده نقش به سزایی دارد. تعیین مصادیق احکام کلی در آیات (در این نوشتار آیات مرتبط با بهداشت خانواده)، تشخیص تخصیص حکم به سبب نزول یا عموم مکلفین، تمییز صحیح ناسخ از منسوخ و دستیابی به تناسب میان احکام مندرج در آیات قرآن، تقیید و تحدید مفهوم و مصداق آیه بر افراد، تبیین فلسفهٔ احکام الهی در راستای شناخت مصالح و مفاسد احکام شرعی و تبیین واژگان مبهم در آیه را می‌توان به عنوان نمونه‌هایی از تأثیر شأن نزول آیات که ممکن است در راستای استنباط صحیح احکام شرعی از آیات قرآن راه گشا باشند، برشمرد.
کلیدواژه‌ها: شأن نزول؛ بهداشت خانواده؛ آیات پزشکی؛ اختلال مزاج؛ انحرافات جنسی؛ خطابات مشافهه.

۱. مقدمه

علم اسباب النزول یا شأن نزول آیات قرآن یکی از ابزارهای مفید برای فهم دقیق‌تر مقاصد و مفاهیم آیات است که ارتباط با نزول تدریجی قرآن دارد و می‌توان گفت یکی از دلایل نزول تدریجی قرآن به شمار می‌رود. چرا که آیات به تدریج در پی حوادث و رخدادها و ناظر بر آنها نازل می‌شده است. لذا فقیهی که در مقام استنباط احکام است، باید از این حوادث آگاهی کامل و دقیق داشته باشد. از آنجا که شناخت اسباب النزول تنها از طریق روایات و نقل‌های تاریخی ممکن است، دقت در اعتبار اسناد این گونه نقل‌ها و از سویی تکیه نکردن بر نقل‌های غیرمعتبر و تناقض آلود، بسیار ضروری می‌نماید. (طباطبایی، ۱۳۷۹ش، صص ۱۰۶-۱۰۳) در این مقاله دیدگاه‌های فریقین در خصوص تأثیر شأن نزول بر برداشت‌های فقهی از آیات مرتبط با بهداشت جسمی و روانی خانواده مورد توجه و مطالعه قرار می‌گیرد.

۲. مفهوم‌شناسی شأن نزول آیات

عبارت شأن نزول در برخی کتاب‌های تفسیر و علوم قرآنی به کار رفته است؛

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

ولی به طور مستقل در مورد آن بحثی صورت نگرفته و حتی تعریف ویژه‌ای برای آن بیان نشده است، چرا که بسیاری از مفسران تفاوتی میان این تعبیر و اصطلاح سبب نزول قائل نشده‌اند. (رادمنش،۱۳۷۴ش، ص۱۱۱)؛ لذا برای اثبات دیدگاه خود به برخی تفاسیر استشهاد می‌کنند که به فراوانی واژه شأن نزول را به جای سبب نزول به کار برده‌اند. (پیروزفر، ۱۳۷۵ش، ص۴۱) لیکن برخی از محققان، شأن نزول را دارای معنایی عام‌تر از سبب نزول دانسته‌اند. به نظر آنان ، هر شخص یا حادثه‌ای، خواه در گذشته، حال یا آینده و یا هر موضوعی که آیه یا آیاتی درباره آنها نازل شده است، شأن نزول به شمار می‌آیند. از این منظر شأن نزول تنها به مواردی که در عصر نزول روی داده محدود نمی‌شود و ماجراهای امت‌های پیشین را نیز در بر می‌گیرد؛ اما سبب نزول، حادثه‌ای است که متعاقب آن، آیه یا آیاتی نازل شده است؛ بر همین اساس، سبب نزول، اخصّ از شأن نزول دانسته می‌شود. (معرفت، ۱۳۸۱ش، ص۱۰۰) در این نوشتار، عبارت «شأن نزول» در همان معنای عام به کار می‌رود.

۳. اعتبار و کارآمدی اسباب نزول ازدیدگاه علامه طباطبایی

برخی گفته‌اند که مرحوم علامه طباطبایی اعتباری برای اسباب نزول در زمینه تفسیر و فهم معانی آیات، قائل نبوده است. ایشان در کتاب «قرآن در اسلام» در این باره چنین بیان داشته است: «اساساً مقاصد عالیه قرآن مجید که معارفی جهانی و همیشگی می‌باشند، در استفاده خود از آیات کریمه قرآن، نیازی قابل توجه یا هیچ نیازی به روایات اسباب نزول ندارند.» (به نقل: مسعودی، ۱۳۷۴، ش۱) ولی تتبّع در مجموعه نظرات و رویکردهای ایشان در تفسیر المیزان در کنار روش تفسیری وی، ذهن هر محققی را به سوی این مطلب سوق می‌دهد که صاحب المیزان به طور کلی نقش اسباب نزول در زمینه تفسیر قرآن را نفی نکرده است، بلکه در جای جای تفسیر المیزان، از این موضوع بهره‌برداری نموده است که با مطالعه و مداقّه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

در آثار او، این مطلب به راحتی روشن خواهد شد. علاوه بر آن، ایشان در همان کتاب بیان داشته است: «بسیاری از سُوَر و آیات قرآنی از جهت نزول با حوادث وقایعی که در خلال مدّت اتّفاق افتاده است، ارتباط دارد... . این زمینه‌ها را که موجب نزول سوره یا آیه مربوط می‌باشد، اسباب نزول می‌گویند و البته دانستن آنها تا اندازه‌ای، انسان را درمورد نزول و مضمونی که آیه نسبت به خصوص مورد نزول خود به دست می‌دهد روشن ساخته کمک می‌کند و از این روی، گروهی انبوه از محدّثان صحابه و تابعین در صدر اسلام، به ضبط روایات اسباب نزول همّت گماشته بودند و اخبار بی‌شماری در این باره نقل نموده‌اند.» (مسعودی، همان)

خلاصه کلام در این باره چنین است که صاحب المیزان، تأثیر اسباب نزول در استنباط صحیح مقاصد آیات قرآن کریم را نفی نکرده، بلکه مشکل این است که تنها مرجع و منبع دستیابی به اسباب نزول، روایاتی است که غالباً از طریق عامه در این زمینه نقل شده‌اند، و از طرفی تحقق سندی این احادیث، ما را به این حقیقت واقف می‌گرداند که بسیاری از آنها از حیث سندی ضعیف هستند، به گونه‌ای که تتبّع در این روایات، اعتبار خود را از دست داده و در نتیجه قابل اعتماد نخواهند بود. این عدم اعتماد نه تنها به خاطر ضعف سند (که احتمال کذب رجال سند را از میان می‌برد یا تضعیف می‌کند) به دلیل وجود دسّ و یا اِعمال نظر، به قوت خود باقی خواهد ماند. اما اینکه چگونه می‌توان با وجود چنین احتمالی، از اسباب نزول در زمینه استنباط احکامی چون احکام مرتبت با سلامت خانواده در قرآن کریم بهره‌برداری نمود، نکته‌ای است که مطلوب ما بوده و در این نوشتار به دنبال آن هستیم. (نک: طباطبایی، ص۱۰۶)

۴. تاریخچه و پیشینهٔ بحث

نگاشته‌ها در خصوص شأن نزول، از دیرباز تاکنون را می‌توان به دو بخش تقسیم

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

کرد. ۱- گزارش نقل‌ها، بدون تحلیل و ارزیابی و فقط اجتهاد نویسندگان از طریق گزینش برخی روایات. ۲- تحلیل گزارش‌ها، ارزیابی و نقد آراء و ترجیح روایات. برخی از کتب علوم قرآنی، در بحثی با عنوان فوائد سبب نزول، از فوائد نزول برخی از آیات فقهی سخن گفته‌اند. (زرقانی، ۱۳۸۵ش، ص ۱۲۹؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۱۵؛ معرفت، ۱۳۷۹ش، ج۱، ص۲۲۱) مرور کتب اسباب نزول و تفاسیر قرآن کریم نشان می‌دهد که در آنها شأن نزول‌های مرتبط با آیات مربوط به ازدواج و بهداشت خانواده مطرح شده؛ اما تحلیلی درباره آنها به چشم نمی‌خورد. از این حیث، تحقیق حاضر، جدید دانسته می‌شود و می‌تواند مقدمه‌ای برای بحثی کلی تر با عنوان «تأثیر شأن نزول در برداشت صحیح از آیات الاحکام و مباحث فقهی از دیدگاه فریقین» به شمار آید.

برخی از تحقیقاتی که نزدیک به موضوع پژوهش ما، پیش‌تر انجام پذیرفته است، از این قرار است:

۱. مقاله «بررسی میزان تأثیر روایات سبب نزول در تفسیر» که در آن، نقش اسباب نزول در تفسیر آیات الهی و چگونگی ایفای این نقش در بازیافت مفاهیم آیات و دلالت آن بر مراد خداوند بررسی شده است. (نک: پیروز فر، ۱۳۹۱ش، ص ۱۸۷/۶۳-۲۱۸)

۲. مقاله «ازدواج پژوهی در آیات الهی» (نک: اسلامی پناه، ۱۳۸۴ش). نگارنده در آن، تمام آیات مرتبط با ازدواج و بهداشت جنسی خانواده را از حیث واژگان و محتوا بررسی کرده است.

۳. مقاله «بازخوانی مفهوم نشوز زن و مرد در قرآن». در این مقاله ضمن بررسی تأثیر نشوز در سلامت روانی خانواده و تأکید بر طرق و عوامل ابتلا به برخی اختلالات ناشی از نشوز یکی از زوجین، به بررسی دیدگاه مفسران درباره آیات ۳۴ و ۱۲۸ سوره نساء پرداخته شده است. علاوه بر آن، مسأله ضرب زنان که از

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

مدلول عبارت «وَاضرِبوهُنَّ» در آیه ۳۴ این سوره استنباط گردیده، به عنوان موضوعی چالشی که حق ایجاد جرح و وارد کردن لطمات جسمی بر زن و تبعات روانی ناشی از آن را مورد بررسی قرار می‌دهد، از مهم‌ترین بخش‌های این نوشتار به حساب می‌آید.

این مقالات برخی از آثاری هستند که پیش‌تر نوشته شده‌اند؛ اما هیچ یک ناظر به موضوع مقاله حاضر نیستند.

افزون بر این، از آنجا که علم به شأن نزول، مقدمه‌ای مهم برای تفسیر آیات الهی به حساب می‌آید، در لابلای کتاب‌های مربوط به دانشهای اصول التفسیر، تفاسیر، علوم قرآنی، کتابهای سیره، کتاب‌های حدیثی و کتاب‌های تاریخی بدین مباحث پرداخته شده است.

۵. راهبردهای تأثیر شأن نزول در استنباط مفاهیم آیات مرتبط با بهداشت خانواده

قرآن کریم به حدود سیصد آیه درباره پزشکی و بهداشت اشاره کرده است. پزشکی شامل «درمان و معالجه» و بهداشت به معنی «پیشگیری» است. اما اکثر مطالب علمی قرآن درباره بهداشت و پیشگیری است. به همین روی، توجه به شأن نزول آیات الاحکام ناظر بر بهداشت جسمی، جنسی و روانی خانواده ما را در فهم درست احکام مربوط به مراودات زناشویی و روابط خانوادگی یاری خواهد رساند. اشکال مختلفی را می‌توان به عنوان گونه‌های تأثیرگذاری شأن نزول در آیات فقهی قرآن متصور شد. (رضائی،۱۳۸۷، ص۴۱)

به عبارت دیگر در مراحل بررسی فقهی مرتبط با آیات قرآن، استفاده‌های مختلفی از شأن نزول‌ها می‌توان داشت. گونه‌های تأثیر شأن نزول‌های مرتبط با آیات قرآن کریم از این قرارند:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

۵-۱. تبیین مصادیق احکام کلی در آیه

گاهی در محتوای آیات ناظر بر حکم شرعی، به تعابیر و کلماتی عام و کلی بر می‌خوریم که لازمه درک صحیح از حکم در آیه، مراجعه به مصداق و نمونه آن است یا حد اقل، استنباط صحیح از حکم در آیه به راحتی محقق نمی‌شود. به عنوان نمونه، در آیه ۲۳ سوره نساء، علی رغم تأکید به ایجاد روابط زناشویی و تشکیل خانواده از طریق مقبول آن، یعنی ازدواج، و در کنار تمام مصالح تشریع حرمت ازدواج با محارم و اقربین، با توجه به کشف آسیب‌های احتمالی ازدواج‌های فامیلی و اختلالات نسلی حاصل از اینگونه ازدواج‌ها در عصر کنونی، مفاد این آیه و آیات مشابه آن می‌توانند نوعی تعیین تکلیف و نهی پیشگیرانه برای جلوگیری از انحرافات جنسی باشند و حتی با نگاهی عام‌تر، علاوه بر توجه به وجوه شرعی، ممکن است موجبات پیشگیری از بیماریهای مرتبط با ازدواج‌های فامیلی و تقویت بهداشت و سلامت خانواده را نیز فراهم آورند. (محمودی عالمی، ۱۳۸۶، ص ۷۰-۶۴)

۵-۱-۱. استنباطات مربوط به فضا و زمان نزول، از آیه ۲۳ سوره نساء

در این آیه پس از معرفی افرادی که ازدواج با آنها تحریم شده، آمده است: «این قانون (یا احکام) عطف به ما سَبَق نمی‌شود»؛ یعنی اگر اشخاصی قبل از نزول این آیه، و در دوران جاهلیت، اقدام به ازدواجی بر خلاف مفاد این آیه نموده‌اند، مجازاتی هم شامل حالشان نخواهد بود. البته اکنون که این حکم با نزول آیه فوق تشریع شده است، همسری که برگرفته‌اند برآنان حرمت پیدا کرده و جدا شدن از او برایشان واجب است. این نوع برخورد از سبیل وفق و مدارا نسبت به گذشته نیز، به لحاظ روانی می‌تواند موجبات پیشگیری از ایجاد روحیه ناامیدی و فرار از تکلیف به بهانه طاقت فرسا بودن آن و رفع زمینه‌های ارتداد متأثر از یأس نسبت به اعمال گذشته را فراهم آورد. چرا که از دیدگاه روان‌شناسان، یأس و ناامیدی

زمینه فقدان انگیزه و فرار از تکلیف را فراهم می‌آورد. (اسلامی نسب، ۱۳۷۳، ص ۷۹)

در باره عبارت «ما قد سلف»، باید گفت که این عبارت دارای معنایی کلی و جامع بوده و برای شناخت مصادیق مورد نظر این آیه باید به فضا و زمان نزول آن توجه نمود. (طباطبایی، ج ۴، ص۷۶)

۵-۱-۲. بررسی اختصاص حکم و شمول حکم

در خصوص مفهوم عبارت «الّا ما قد سَلَفَ» برخی مفسرین احتمال اختصاص (قیدی برای ازدواج با دو خواهر) و برخی هم احتمال شمول (قیدی برای همه احکام و ازدواج‌های مطرح شده در آیه) داده‌اند. یعنی اگر قبل از نزول آیه کسی اقدام به ازدواج با محارم کرده است، مشمول این قانون جدید نمی‌شود و فرزندانش مشروع‌اند. (نک: جصاص، ۱۴۰۵ ق، ج ۳، ص ۷۷)

توجه به این مطلب نیز ضروری به نظر می‌رسد که شأن نزول، مصادیق عبارات و مفاد آیات را مشخص می‌نماید؛ ولی آنها را محدود به همین مصادیق نمی‌نماید. علاوه بر آن نیز، راهی است برای فهم بهتر مقصود آیه و کشف مصادیق دیگری که با مصادیق زمان نزول، دارای وجوه مشترکی باشند، و چه بسا شناسایی این مصادیق، موجبات تعمیم حکم آیه را به سایر موارد مشابهی که شرایط سرایت حکم را دارند، فراهم آورند.

۵-۱-۳. تخصیص حکم به سبب نزول یا عموم مکلفین؟

اکنون باید دید که در آیاتی که احکام خاصی را برای مخاطبین مشخصی بیان نموده‌اند، آیا ملاک عموم لفظ است یا خصوص سبب؟ بنا بر قاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد» باید ملاک، عمومیت موجود در عبارت قرآن باشد و اختصاص سبب به مصداقی خاص، دلیلی بر محدودیت معنای آیه در همان مصداق (مصادیق) زمان نزول آیه نمی‌شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

از دیدگاه برخی از مفسرین، معمولاً اگر نزول آیه یا آیاتی دارای سببی مشخص باشد، دلیلی بر مقید نمودن مفهوم و مدلول قرآنی آن نیست. به عبارت دیگر نمی‌تواند حکم مستنبط ازمدلول آیه را مقیّد و مختصّ به همان مورد خاص نماید؛ بلکه حکم و مفهوم آن به موارد مشابه نیز قابل تعمیم و سرایت است (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۲۴؛ معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۶۱)

۵-۱-۴. مصادیق تاریخی قاعده «العبرة بعموم اللفظ لا بخصوص المورد»

به عنوان نمونه برای این قاعده، روایت شده است که زنی از انصار از طایفه خزرج به نام (خوله) مورد خشم شوهرش اوس بن صامت قرار گرفت و وی با تند خویی همسرش را ظهار کرد. یعنی به زوجه‌اش گفت: «تو نسبت به من مانند مادر من هستی.» (این عبارت نوعی از طلاق در زمان جاهلیّت عرب بود که نه قابل رجوع و بازگشت بود و نه با حدوث آن، زن آزاد می‌شد که بتواند همسر دیگری برای خود برگزیند.)

پس از اندک مدتی مرد پشیمان شد و چون «ظِهار»، طلاق بدون بازگشت به شمار می‌آمد، زن مسأله را با رسول مکرم اسلامﷺ در میان گذاشت. پیامبرﷺ در جواب فرمود: تو بر او حرام شده‌ای و در حال حاضر، دستور دیگری در این باب ندارم. زن از شدت ناراحتی و نومیدی روی به درگاه خدا آورد. در این حال، وحی بر پیامبر نازل شد و با آیات اول و دوم سوره مجادله مشکل «ظهار» حل گردید. بعد از نزول این آیات، پیامبر به آن زن فرمود: برو همسرت را فراخوان تا من این دستور الهی را بر او نیز بخوانم. مرد آمد و پس از راهنمایی پیامبرﷺ و با مساعدت ایشان کفاره ظهار را داد و به زندگی سابق خویش بازگشت. (طبرسی، ۱۳۷۲ق، ج ۹، ص۳۷۱) همین شأن نزول را با ذکر اقوال مختلف، جصاص در احکام القرآن خود ذکر کرده است. (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص۳۰۳) علم به شأن نزول دقیق آیه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

ما را در برداشت صحیح فقهی از آیه یاری می‌رساند.

این آیات با در نظر گرفتن عدم وجاهت ظهار در حالت عصبانیت، در محتوای خود به مراقبت از آرامش روانی همسر تأکید ورزیده است. همچنین احکامی از قبیل ایلاء نیز که نوعی سوگند برای ترک مجامعت با همسر بوده، از دیدگاه قرآن کریم مورد انتقاد و عتاب قرار گرفته است. (طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، بقره، تفسیر آیه ۲۲۶) هدف از این کار، تحت فشار قرار دادن زن، (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۵۵) اذیت و آزار، (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۶۹) سرگردانی (طوسی، ۱۴۰۹ق، ص۱۰۸) و جلوگیری از ازدواج مجدد وی (ابوحیان، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۴۵؛ طوسی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۰۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۱۴۹) بیان شده است. خداوند در آیه۲۲۶ سوره بقره با این سنت غلط مبارزه نموده و راه‌های گشودن این سوگند را بیان و به نفع زنان و احقاق حقوق آنان حکم می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، همان)

۵-۱-۵. نمونه اعتبار عمومیت لفظ در آیات الاحکام، در خصوص بهداشت خانواده

قرآن کریم در آیه ۲۲۲ سوره بقره به حقوق پزشکی و همچنین بهداشت جسمی و روانی خانواده توجهی ظریف داشته است. در شأن نزول این آیه گفته‌اند که درباره ثابت بن الدحداح نازل شده که در مورد امکان نزدیکی با زنان در ایام خاص، از رسول خدا ﷺ سؤال کرده بود که در پی چنین سؤالی، این آیه نازل گردید، (میبدی، کشف الاسرار؛ رازی، روض الجنان) و نیز از عادات مجوسیان بود که در ایام خاص، با زنان نشست و برخاست ننموده و با آنان نمی‌خوردند و نمی‌آشامیدند و به کلی از زنان در چنین حالتی دوری می‌کردند. (رازی، ابوالفتوح، ۱۴۰۸ق، صص ۱۴۸-۱۳۷)

شیخ طوسی نیز چنین نقل کرده است که: عطا در مورد نزول آیه گفته است که منظور از متطهّرین کسانی هستند که خود را (در هنگام قضاء حاجت) با آب تمیز

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

و شستشو نمایند و مراد از آن استنجاء با آب است. (محقق، محمدباقر، ص ۸۱)

بنا بر تحقیق، یهود در خصوص مراوده با زنان در ایام عادت ماهیانه بسیار سخت‌گیر و نصاری در این مورد بی‌تفاوتند. (در مورد حکم تورات در این زمینه بنگرید: سلیمانی اردستانی، کتاب مقدس، ۱۳۸۵ش، ص۳۰؛ تورات، سفر لاویان، از جمله نوزدهم تا بیست و نهم)

۵-۱-۶. نکات بهداشتی مربوط به آیه ۲۲۲ سوره بقره

زنان در ایام خاصّ به لحاظ جسمی، آمادگی آمیزش جنسی ندارند و کسالت و اختلال مزاج که برای زن پیش می‌آید، او را نسبت به آمیزش بی‌نشاط می‌سازد. در روایات نیز آمده است: اگر فرزندی در این ایام نطفه‌اش منعقد شود، به لحاظ جسمی و روحی مشکلاتی خوهد داشت. (قرشی، سید علی اکبر، ج ۳، ذیل آیه ۲۲۲)

چنان که بیان شد، شأن نزول این آیات در مورد خاص بوده و به سبب خاصی نازل شده است؛ اما محدود و مختص به این مورد نمی‌شود؛ بلکه حکم آن عام است و شامل تمام موارد مشابه آن است. اگر چنین بود که وقتی آیه‌ای درباره گروهی نازل شود و بعد که آن گروه از دنیا بروند، آن آیه هم از میان برود، طبعاً قرآن هم از میان می‌رود؛ در حالی که خطابات مشافهه قرآن و اکثر آیات ناظر بر حکم شرعی، به همان گونه که در خصوص حاضران جاری و نافذ است، در مورد غایبان نیز جاری و نافذ است. روایات بسیاری درباره ارزش و جاودانگی قرآن نقل شده است. (بحرانی، ۱۴۱۵ ق، ج۱، ص ۳۲) توجه اصلی به معنی کلی و عموم لفظ است، نه به خصوص سبب. لذا سببی که آیه یا آیاتی برای آن نازل شده است، قانون کلی را مقیّد نمی‌کند.

۵-۲. تشخیص صحیح ناسخ و منسوخ

تمییز صحیح ناسخ از منسوخ یکی از آثار توجه به شأن نزول آیات الاحکام است. تعداد قابل توجهی از آیاتی که درباره آنها ادعای نسخ شده است، به ازدواج

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

و اموری چون روابط زناشویی و بهداشت خانواده مرتبط‌اند؛ لذا قبول یا رد آن، تاثیری مهم در برداشت‌های فقهی در این زمینه دارد. استاد معرفت نسخ بسیاری از آیات را رد نموده است. (نک: معرفت، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۲۲۹) ازمیان آیاتی که وی منسوخ دانسته است و به روابط زناشویی و بهداشت خانواده ارتباط دارد، نسخ آیه امتاع (آیه ۲۴۰ سوره بقره) است. (همان، ج ۲، ص ۳۰۳)

روشی که در این آیه برای عده یکساله زوجه متوفّی بیان شده، همان سنت جاهلیت است که قرآن تا مدتی آن را تأیید کرد و سپس آن را با آیه مواریث (نساء،۱۲) و آیه عدد (بقره،۲۳۴) نسخ نمود و مدت را به چهار ماه و ده روز تقلیل داد. دلیل عمده برای نسخ این آیه، اجماع علمای امت است. هیچ کدام به آیه مذکور عمل نکردند وحتی آن را مستحب نیز ندانستند. علاوه بر آن روایاتی درباره نسخ این آیه با آیه ۲۳۴ بقره رسیده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴) علامه طباطبایی و سیوطی نیز نسخ این آیه را پذیرفته‌اند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ج ۲، ص ۲۴۷؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۶۵۴) پر واضح است که نمونه فوق به نوعی توجه قرآن کریم به پیشگیری از آسیب‌های روحی و جسمی به زنان را که می‌توانست در پی محدودیت ازدواج مجدد تا زمانی طولانی ایجاد شود ملحوظ داشته است.

۵-۲-۱. اهمیت تشخیص نسخ یا عدم نسخ در تفسیر صحیح آیات

با شناخت جایگاه شأن نزول آیات، بطور کلی می‌توان نسبت به فهم ناسخ از منسوخ واقعی، درک صحیحی به دست آورد. گاهی با غفلت از شأن نزول، فهم ناسخ از منسوخ به خطا می‌رود و مسئله فقهی ناصحیح فهمیده می‌شود. البته در میان شأن نزولها گاهی نمونه‌های ساختگی یافت می‌شود که مدلول آیه را از مسیر صحیح خود منحرف می‌کند. (صالحی نجف آبادی، ۱۳۸۷، کیهان اندیشه، ص ۴۵)

به عنوان نمونه، یکی از این شأن نزولها، نقلی است که سیوطی و ابن کثیر در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

رابطه با آیه ۱۸۷ از سوره بقره آورده و گفته‌اند: در آغاز که روزه ماه رمضان واجب شد حکم اسلام این بود که اگر شخص روزه دار، افطار نکرده خوابش می‌برد یا نماز عشاء را می‌خواند حق نداشت در آن شب با همسرش آمیزش کند و حق نداشت غذا بخورد و آب بنوشد و باید گرسنه و تشنه فردا روزه می‌گرفت. نزول آیه «احل لکم لیلةالصیام الرفث الی نسائکم ...و کلوا و اشربوا حتی یتبین لکم الخیط الابیض» را مرتبط با این رویداد می‌دانند که حرمت خوردن و آشامیدن و آمیزش را در شبهای ماه رمضان نسخ کرد. (تفسیر ابن کثیر، ج ۱، ص۲۲۰؛ والدرالمنثور، ج ۱، ص ۱۹۷)

علاوه بر این شأن نزول، شأن نزولهای دیگری نیز برای آن نقل شده که هیچ یک از آنها اعتبار ندارد، چون شأن نزولها گوناگون و آشفته بوده این آشفتگی در اقوال مفسران نیز پدید آمده است. (طباطبایی، ج۲، ص۵۱ ذیل آیه ۱۸۷ بقره)

۵-۲-۲. اشتراک شأن نزول‌ها، تکلیف فوق طاقت را ظلم و خلاف سلامت جامعه می‌داند

پس از بررسی شأن نزول‌های صدر و ذیل این آیه، به این نتیجه می‌رسیم که این شأن نزولها با وجود اختلاف زیاد، در این نقطه اتفاق دارند که در شبهای ماه رمضان اول به حکم خدا آمیزش با زنان و نیز خوردن و آشامیدن تحت شرایطی حرام بود، ولی در عمل و اجراء معلوم شد این حکم فوق طاقت مردم، بلکه برخلاف مصلحت جامعه است و بدین علت منسوخ شده است. این مطلبی است که از مجموع این شأن نزولها به به دست می‌آید. (طباطبایی، ج ۲، ص ۵۲ ذیل آیه ۱۸۷ بقره)

البته بعضی گفته‌اند: باید بررسی و تحقیق کرد تا معلوم شود که آیا واقعا چنین حکم خلاف حکمتی در اسلام بوده و بعداً نسخ شده است و یا اساساً چنین حکمی نبوده و در شأن نزولها و نیز در اظهار نظرهای مفسران اشتباه رخ داده است؟ (قرائتی، محسن، ۱۳۸۳ش، ج ۱، ص ۳۴۸)

۵-۳. تبیین فلسفه احکام الهی

«فلسفه احکام» مصالح و مفاسد احکام الهی است که احکام بر محور آن دور می‌زند و دایر مدار «علّت حکم»است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۸۸) در مقابل، «حکمت حکم» چیزی است که غالباً همراه حکم هست و گاهی هم از آن جدا می‌شود. از جمله موارد و منابعی که می‌توان از آن برای کشف فلسفه یا حکمت احکام استفاده نمود، شأن نزول آیات قرآن است.

از دیگر ثمرات مهم در تاثیر فهم شأن نزول بر مباحث مربوط به روابط زناشویی و سلامت خانواده، موضوع تعدد زوجات است که در آیه سوم سوره نساء آمده است: «پس آنچه از زنان هر چه شما را پسند افتد، دو دو، و سه سه و چهار چهار به نکاح درآورید». در تفسیر مجمع البیان در این باره آمده است: پیش از نزول این آیه، مردان به هر تعداد می‌خواستند ازدواج می‌کردند و این آیه از این کار منع کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۵، ص۲۰) در واقع با مراجعه به زمان نزول آیه و درک شأن نزول آن بهتر می‌توان درباره آیه قضاوت نمود.

از دیگر موارد می‌توان به این آیه اشاره داشت: «مرد زناکار جز با زن زناکار یا زن مشرک ازدواج نمی‌کند و زن زناکار جز مرد زناکار یا مرد مشرک، با او ازدواج نمی‌کند؛ و این ازدواج بر مومنان حرام شده است.» (نور،۳)

در بارهٔ شأن نزول این آیه به اجازه گرفتن امّ مهزول زنا کار از رسول خدا برای ازدواج اشاره شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴ ق، ج ۵، ص ۱۹) مؤید این قول روایتی است که بیان می‌دارد در زمان پیامبر زنان و مردانی معروف به زنا بودند. خداوند از ازدواج با این مردان و زنان منع کرد. پس اگر کسی معروف به زنا شد و حد بر او جاری کردند، با او ازدواج نکنید، مگر اینکه معلوم شود توبه کرده است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۷، ص ۹۷)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

با توجه به شأن نزول هایی که نقل شده است، روشن می شود این حکم مخصوص کسانی است که به این عمل شنیع مشهور شده باشند. بر اساس همین شأن نزول‌هاست که امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اینان مردان و زنانی بودند که در عهد رسول خدا صلی الله علیه و آله مشهور به زنا بودند. پس خدای تعالی مردم را از این مردان و زنان نهی فرمود. مردم امروز هم به مانند مردم آن روز می‌باشند. پس کسی که معروف به زنا شده و یا حد بر او جاری شده باشد ، باید از ازدواج با او خودداری کنند تا وقتی که توبه‌اش شناخته و معروف شود.» (کلینی،۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۳۵۵)

این برداشت فقهی بر اساس شأن نزول آیه، می‌رساند که این حکم نه تنها ظالمانه نیست، بلکه عین عدالت است؛ چرا که به این وسیله کسی که به عمل شنیع زنا شهرت پیدا کند، با این عمل تنبیه و مجازات می‌گردد و هر کس که بخواهد با چنین زنی ازدواج کند، مورد مذمت مؤمنین قرار خواهد گرفت. این برداشت فقهی ثمراتی دیگر هم دارد. بر همین اساس اگر کسی توبه نمود و از جرگه این گروه خارج گردید، ازدواج با او مانعی ندارد. (همان، جلد ۵، ص ۳۵۵) نمونه دیگر، آیه ایلاء در سوره بقره است که در جاهلیت مرسوم بود. خدا گناه مخالفت قسم را به فضل و احسان خود بخشید و برای آن کفاره قرارداد. (نک: شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج۱، ص ۴۰۴)

۵-۴. تبیین واژگان مبهم در آیه

برخی از واژگان در آیات مربوط به بهداشت و سلامت خانواده، در زمان نزول قرآن دارای معانی خاصی بودند و برای عملی خاص، استعمال می‌شدند. قرآن نیز از این کلمات برای بیان روان آیات الاحکام بهره گرفته است. در این قبیل موارد، با مراجعه به شأن نزول آیه، فهمی بهتر از آیه حاصل می‌شود؛ نظیر واژه ظِهار که در زمان جاهلیت مرسوم بوده است. واژه ظهار در لغت به معنای پشت آدمی است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص۵۳۶)؛ اما در اصطلاح به معنای آن است که مردی به

همسرش بگوید: «أنت علَیَّ کظَهرِ أمّی» (تو دیگر بر من هم پشت مادرم هستی). کنایه از این که بعد از ادای این عبارت دیگر همسر او نیست. همانطور که گذشت، این عبارت نوعی از طلاق در زمان جاهلیت عرب به شمار می‌آمد. این نوع از طلاق، ظالمانه‌ترین رفتار و نوعی طلاق بود که نه قابل رجوع و بازگشت بود و نه زن آزاد می‌شد که بتواند همسر دیگری برای خود انتخاب نماید و آثار سوء و لطمات روحی و روانی ناشی از آن به راحتی قابل جبران نبود. با نزول آیه دوم سوره مجادله و بیان حکم، راهی برای بازگشت زوجین جدا شده در اثر این نوع از طلاق فراهم گردید.

از دیگر واژگان مربوط به ازدواج در قرآن، واژه نشوز است که در لغت به معنای ارتفاع است و در اصل برای مکان مرتفع و بلند به کار می‌رود. (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۸۹۹) در آیه «إذا قیل انشزوا فانشزوا» (مجادله، ۱۲) به معنای آن است که وقتی گفته می‌شود، بلند شوید، ارتفاع پیدا کنید و بلند شوید. در قرآن به معنای ترفع هر یک از زن یا مرد از اداء حق طرف مقابل است. به این معنا که زن خودش را ارفع دانسته و زیر بار حق مردم نرود یا اینکه مرد زیر بار حق زن نرفته و خود را ارفع از این معنا بداند. (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۲۵، ص ۷۶-۸۹) از استعمال نشوز در قرآن، شأن نزول آن و روایات استفاده می‌شود که نشوز مرد به معنای ترفع مرد است، ولی ترفعی نیست که حقی از زن در آن ترک شده باشد؛ بلکه به معنای بالاتر دیدن خود از زوجه و کراهت داشتن نسبت به اوست و زن با توجه به احتمال طلاق دادن یا گرفتن زن دیگر، از بخشی از حقوق خود صرف نظر می‌کند تا او را طلاق ندهد و یا زن دیگری نگیرد و حتی به حسب روایات یکی از زنان پیامبرﷺ که پیر بود، از بعضی از حقوق خود صرف نظر کرد تا این که پیامبرﷺ او را طلاق ندهد. (همان، ج ۲۵، ص۷۶۹۰) در این قسمت نیز مشخص می‌شود با توجه به شأن نزول در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

کنار دیگر ادله، نشوز معنایی خاص پیدا می‌کند که بدون در نظر گرفتن این ادله، چنین برداشتی برای کلمه نشوز، بعید می‌نماید.

۵-۵. تقیید و تحدید معنای آیه

برخی از آیات مربوط به احکام زناشویی و بهداشت خانواده در اولین نگاه دارای معانی عام هستند، اما با مراجعه به شأن نزولی که برای آیه نقل شده است، روشن می‌گردد که آیه، مربوط به موضوعی خاص است و استفاده از آیه برای مورد عام نیاز به دلیلی اضافی دارد یا با مؤید عقلی و دیگر روایات سازگاری ندارد. به طور مثال در مورد بحث تسلّط و موّام بودن مردان بر زنان که در قرآن آمده است (نساء،۳۴)، علامه طباطبایی بهترین توجیه را در دلالت این آیه بر عمومیت قیمومت مردان بر زنان آورده است. می گوید: «این حکم، مخصوص شوهران نیست؛ یعنی قوّام بودن، مخصوص مرد نسبت به همسرش نیست؛ بلکه این حکم از سوی خداوند برای گروه مردان بر گروه زنان در همه جهاتی که به زندگی هر دو مربوط می‌شود، قرار داده شده است.» (طباطبایی، ج۴، ص۲۵۴)

استدلال علامه طباطبایی که آن را از تعلیل درون آیه برای عمومیت استفاده نموده است، با شأن نزولی که برای آیه ذکر شده است، منافات دارد. به علاوه آنکه از جهات دیگری نیز می‌توان به آن نقدهایی را وارد نمود. از سوی دیگر نباید فقط به تعلیل عمومی که مورد استشهاد ایشان است نگاه کرد، زیرا یکی از علت‌های ذکر شده در آیه عبارت از «و بما أنفقوا من اموالهم» است. این علت تشریعی و اقتصادی است و مخصوص زندگی زناشویی است و دادن هزینه‌های زنان در غیر زندگی خانوادگی و زناشویی بر مردان واجب نیست.

با توجه به مطالب پیشین این نکته روشن می‌گردد که شأن نزول در مباحث مربوط به روابط زناشویی در قرآن می‌تواند محدود کننده معنایی آیات قرآن نیز

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

باشد و یا حداقل در کنار دلایل دیگر مؤیدی قوی جهت این امر به حساب آید.

۶. نتایج

با در نظر گرفتن جایگاه شأن نزول در مباحث فقهی مربوط به روابط زناشویی و بهداشت خانواده، می‌توان جایگاه علم به شأن نزول را عاملی مهم در پیشگیری از کج فهمی‌های وارد ساخته در مباحث فقهی و مانعی از ورود به تفسیر به رأی دانست. شناخت جایگاه شأن نزول آیات الاحکام ناظر بر روابط زناشویی و بهداشت جسمی و روانی خانواده، فقیه را در مقام استنباط احکام شرعی در راستای پیشگیری از تضییع حقوق افراد یاری می‌رساند.

علاوه بر آن به صورت جزئی‌تر نتایج ذیل از تحقیق حاضر قابل ارائه است:

۱. شأن نزول می‌تواند مصادیق و احکام کلی در آیه را روشن کند. این امر، زمینه سوء استفاده از عبارات عام را از بین می‌برد.

۲. با بهره‌گیری از شأن نزول می‌توان نسبت به فهم ناسخ از منسوخ واقعی، درک صحیحی به دست آورد. گاهی با غفلت از شأن نزول، فهم ناسخ از منسوخ به خطا می‌رود و مسئله فقهی ناصحیح فهمیده می‌شود.

۳. تبیین فلسفه و حکمت احکام الهی، از جمله آثاری است که دانستن شأن نزول صحیح در مباحث فقهی قرآن به جای می‌گذارد. دانستن حکمت یا فلسفه، گاهی باعث می‌شود فتوای فقهی متأثر از آیه، محدود به افراد خاصی گردد.

۴. از جمله آثار شأن نزول، تبیین واژگان مبهم در آیه است. با مطالعه شأن نزول، معنای این کلمات و ظهور آن در مراد و هدف شارع روشن‌تر می‌شود.

۵. گاهی شأن نزول در مباحث مربوط به روابط زناشویی در قرآن می‌تواند محدود کننده معنایی آیات قرآن نیز باشد و یا حداقل در کنار دلایل دیگر مؤیدی قوی جهت این امر به حساب آید.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

منابع

قرآن کریم

۱. ابن حجاج نیشابوری، مسلم، (۱۳۳۴ق)، صحیح مسلم، تصحیح اسماعیل ابن احمد طرابلسی، استانبول: دارالطباعة العامرة.

۲. ابن عاشور، (۱۴۲۰ق)، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: موسسه التاریخ العربی، الطبه الاولی.

۳. ابن کثیر دمشقی، عمادالدین اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، ج۱، بیروت، دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

۴. ابوحیان، محمد بن یوسف ، (۱۴۲۰ق)، البحر المحیط فی التفسیر، ج دوم.

۵. اسلامی پناه، هادی(۱۳۸۴ش)، ازدواج پژوهی در آیات الهی، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۲۷، ص ۴۷-۱۱.

۶. اسلامی نسب، علی، (۱۳۷۳ش)، روان شناسی اعتماد به نفس، تهران: انتشارات مهرداد.

۷. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثة، چاپ اول.

۸. پیروزفر، سهیلا (۱۳۹۱ش)، بررسی میزان تاثیر روایات سبب نزول درتفسیر، علوم حدیث، شماره۶۳، ص ۲۱۸-۱۸۷.

۹. جصّاص، احمد بن علی،(۱۴۰۵ق)، احکام القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.

۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ق)، الصحاح، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول.

۱۱. حبری، حسین بن حکم ، (۱۴۰۸ق)، تفسیر الحبری، بیروت: موسسه آل البیت لاحیاء التراث، الطبعه الاولی.

۱۲. رادمنش، سید محمد، (۱۳۷۴ش)، آشنایی با علوم قرآنی، تهران: علوم نوین، جامی، چاپ چهارم.

۱۳. راغب اصفهانی، (۱۳۷۴ش)، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، تهران: مرتضوی، چاپ دوم.

۱۴. رضائی، حسن‌رضا، اهداف و روش‌شناسی آیات پزشکی، مجله قرآن و علم، تهران، ش۲، ص۶۶-۴۸.

۱۵. رازی، ابوالفتوح، (۱۴۰۸ق)، رَوضُ الجِنان و رَوحُ الجَنان فی تفسیر القرآن، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، آستان قدس رضوی.

۱۶. زرقانی، عبدالعظیم، (۱۳۸۵ش)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ترجمه آرمین محسن، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.

۱۷. زرکشی، بدرالدین، (۱۳۹۱ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالفکر.

۱۸. زرکشی، بدرالدین، (۱۴۱۰ق)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: دارالمعرفه، الطبعه الاولی.

۱۹. زنجانی، سید موسی شبیری، (۱۴۱۹ق)، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، چاپ اول.

۲۰. سایس، محمد علی، (۱۴۲۳ق)، تفسیر آیات الاحکام، بیروت: المکتبة العصریه، چاپ اول.
۲۱. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۸۵ش)، کتاب مقدس، دانشنامه جهان اسلام، تهران.
۲۲. سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، (۱۴۰۴ق)، الدّر المنثور فی تفسیر بالمأثور، قم: چاپ اول، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، و بیروت، دارالمعرفه.
۲۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، (۱۴۲۱ق)، الإتقان فی علوم القرآن، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ دوم.
۲۴. شافعی، محمد بن ادریس، (۱۴۱۲ق)، احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۲۵. شاه پسند، الهه (۱۳۸۸ش)، جایگاه اسباب نزول در مسالک الافهام، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۸ ص ۱۵۴-۱۳۲.
۲۶. شاه عبدالعظیمی، سید حسین، (۱۳۶۳ش)، تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات، چاپ اول.
۲۷. صالحی نجف آبادی، نعمت الله،(۱۳۸۷)، شأن نزولهای مجعول، زمینه‌ساز تفسیرهای ناروا از قرآن، کیهان اندیشه، شماره۴۲ قم: موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان.
۲۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین،(۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۲۹. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۹ش)، قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ نهم.
۳۰. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو، چاپ سوم.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، التبیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۲. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام، چاپ دوم.
۳۳. عنایه، غازی، (۱۴۱۱ق)، اسباب النزول قرآنی، بیروت: دارالجیل، چاپ اول.
۳۴. فیض کاشانی، ملا محسن، (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: مکتبة الصدر، ج اول، چاپ دوم.
۳۵. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، چاپ یازدهم، ج ۱، تهران.
۳۶. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۵۶ش)، تفسیر احسن الحدیث، قم، انتشارات بنیاد بعثت.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۳۸. کیاهراسی، علی بن محمد، (۱۴۲۲ق)، احکام القرآن، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۳۹. گلپایگانی، سید محمدرضا موسوی، (۱۴۱۳ق)، هدایه العباد، قم: دارالقرآن الکریم، چاپ اول.
۴۰. محقق، محمد باقر، (۱۳۶۱ش)، نمونه بینات در شأن نزول آیات، تهران: اسلامی، چاپ چهارم.
۴۱. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۲ش)، دایره المعارف قرآن کریم، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
۴۲. مسعودی، محمد مهدی، پژوهشهای قرآنی، ۱۳۷۴ شماره ۱ ویژه نامه اسباب نزول.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]

۴۳. مصطفوی فرد، حامد (۱۳۹۱ش)، بازخوانی مفهوم نشوز زن و مرد در قرآن، فقه اهل بیت، شماره ۶۹، ص ۱۲۷-۷۶.
۴۴. محمودی عالمی، قهرمان، (۱۳۸۶)، تاثیر آموزش جنسی بر سلامت خانواده در بین دانشجویان، نشریه افق دانش، دوره ۱۳، ش ۲، ص ۷۰-۶۴.
۴۵. معرفت، محمد هادی، (۱۳۷۹ش)، تفسیر و مفسران، گروه مترجمان، قم: موسسه فرهنگی التمهید، چاپ اول.
۴۶. معرفت، محمد هادی، (۱۴۱۵ق)، التمهید فی علوم القرآن، قم: موسسه نشر الاسلامی، چاپ دوم.
۴۷. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۱ش)، علوم قرآنی، قم: موسسه فرهنگی التمهید، چاپ چهارم.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، (بی‌تا)، بررسی طرق فرار از ربا، قم، موسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۷ق)، دایرة المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه‌السلام، چاپ اول.
۵۱. میبدی، ابوالفضل رشید الدین، (۱۳۹۲)، کشف الاسرار و عدة الابرار معروف به تفسیر خواجه عبدا... انصاری، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵۲. میرمحمدی زرندی، (۱۳۷۷)، سید ابوالفضل، تاریخ وعلوم قرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ یازدهم.
۵۳. نورایی، محسن(۱۳۸۴)، نگاهی به تفسیر فقه قلائد الدّرر فی بیان آیات الاحکام بالأثر، الهیات و حقوق، شماره ۱۷، ص۱۲۸-۹۹.
۵۴. واحدی، علی بن احمد، (۱۳۸۳ش)، اسباب النزول و واحدی، تهران: نشر نی، چاپ اول.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1399.18.69.7.3]